



Comparative Studies on  
Islamic Countries Law

ISSN: 29808014-3

Vol: 1. No: 4.

**Received:** 2023/10/29

**Accepted:** 2024/1/5

from Page 1 to 24

doi: 10.22034/LCS.2023.2010404.1023

**Mahdi Bahrami Hasan  
Abadi**

PhD Student in Public  
Law, Faculty of Law, Qom  
University, Qom, Iran.  
(Corresponding Author)  
mahdi.bahrami0915@  
gmail.com

**Mohammad Barzegar  
Khosravi**

Assistant Prof. of  
Economic Law and Public  
Finance Department of  
Majlis Research Center  
mbarzegarkhosravi@  
gmail.com

## **A comparative comparison of the Economic duties of the Government in the Constitution of Iran and Pakistan**

### **Abstract**

In the constitutions of various countries, the goals and duties of the government are listed. Some of which are related to the economic duties of the government, and the general examples and the way of applying those duties are noted; Because achieving a progressive and healthy economy with the participation and cooperation of the government is one of the most important priorities of a national social political pact. In the meantime, examining the economic duties of the Iranian and Pakistan governments from the perspective of the two constitutions, leads to a better understanding of their economic duties. This also recognizes the gaps and potential capacities of the two laws in the field of the economic duties of the government, and creates understanding and cooperation between two countries in order to achieve the economic duties. For this purpose, in the present paper, we try to answer the question, what are the points of commonality and aspects of similarity and points of difference and aspects of difference between the two constitutions of the Islamic Republic of Iran and Pakistan in terms of the economic duties of the government? To answer this question the author (s) by using the analytical descriptive method and by referring to the constitutional provisions of the two countries of Iran and Pakistan, has tried to declare the points of commonality and aspects of similarity and the points of difference and aspects of difference in four areas of the government's duties include "Economic justice and prosperity", "Economic freedom", "Economic independence" and "Economic growth and development".

### **Keywords:**

Fundamental rights, economic duties of the government, Islamic Republic of Iran, Islamic Republic of Pakistan, comparative law.

### مهدی بهرامی حسن آبادی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی،

دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم،

ایران (نویسنده مسئول)

mahdi.bahrami0915@gmail.com

### محمدبرزگر خسروی

استادیار گروه حقوق اقتصادی و

مالیه عمومی مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی

mbarzegarkhosravi@gmail.com

## مقایسه تطبیقی وظایف اقتصادی دولت در قانون اساسی ایران و پاکستان

### چکیده

در قوانین اساسی کشورهای مختلف، اهداف و وظایفی برای آن دولت شمرده شده که بخشی از آن، مربوط به وظایف اقتصادی دولت است و نیز مصادیق کلی و نحوه اعمال آن وظایف مورد توجه واقع می‌شود؛ چراکه دستیابی به یک اقتصاد پیشرو و سالم با مشارکت و همکاری دولت یکی از مهم‌ترین اولویت‌های یک میثاق سیاسی اجتماعی ملی محسوب می‌شود. در این میان، بررسی وظایف اقتصادی دو دولت از منظر دو قانون اساسی، موجب فهم بهتر وظایف اقتصادی آن‌ها، شناخت خلأها و ظرفیت‌های احتمالی دو قانون در زمینه وظایف اقتصادی دولت و ایجاد تفاهم و همکاری دو کشور جهت نیل به وظایف اقتصادی خود می‌شود. به این منظور، در مقاله پیش‌رو، سعی می‌شود تا به این سؤال پرداخته شود که در دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان از حیث وظایف اقتصادی دولت، چه الگوهای مشترک و یا متمایز و خاصی وجود دارد؟. برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به گزاره‌های قانون اساسی دو کشور ایران و پاکستان، سعی می‌شود، به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی، الگوهای مشترک و متمایز وظایف اقتصادی دولت، در چهار حوزه شامل «عدالت و رفاه اقتصادی»، «آزادی اقتصادی»، «استقلال اقتصادی» و «رشد و توسعه اقتصادی» مطرح گردد.

### واژگان کلیدی:

حقوق اساسی، وظایف اقتصادی دولت، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان، حقوق تطبیقی.

## ۱. مقدمه

از نظر حقوقی، قانون اساسی یک کشور، عالی‌ترین سند حقوقی آن کشور محسوب می‌شود. قانون اساسی از بطن فرهنگ حاکم بر جامعه متولد می‌شود. در عصر حاضر که معروف به عصر ارتباطات و خانواده جهانی است، مطالعه تطبیقی قانون اساسی کشورها ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه موجب بهره‌مندی از مزیت‌های موجود در مجموعه قوانین اساسی سایر کشورها و در نتیجه، ارتقاء قانون اساسی یک کشور می‌شود.

چهار کشور ایران، افغانستان، پاکستان و موریتانی دارای عنوان حکومت «جمهوری اسلامی» هستند. بدون شک مقایسه این کشورها در قلمرو حقوق اساسی می‌تواند به ارتقاء سطح کیفی و کمی قانون‌گذاری مبتنی بر منابع شریعت اسلامی کمک نماید (سالرزایی، ۱۳۹۰: ۸-۹). با وجود شباهت‌های مختلفی که از لحاظ مبانی قانون اساسی، منابع قانون‌گذاری و جغرافیای سیاسی میان ایران و پاکستان وجود دارد، در خصوص مقایسه تطبیقی قانون اساسی این دو کشور، پژوهش‌چندانی نشده است. مقالات ذیل به مطالعه تطبیقی این دو قانون پرداخته‌اند: ۱- مقاله «بررسی اشتراکات قانون اساسی ایران و پاکستان» از سالرزایی و مشفق (۱۳۹۶)، ۲- مقاله «مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان» نوشته جواد شایان‌فر (۱۳۹۳)، ۳- مقاله «مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و پاکستان از نظر مبانی حقوق شهروندی و تأثیر آن بر وحدت ملی» نوشته مرجان بدیعی و فاطمه سادات میراحمدی (۱۳۹۳) و ۴- مقاله «مطالعه تطبیقی حقوق غیرمسلمانان اهل ذمه در قانون اساسی ایران و پاکستان» سالرزایی (۱۳۹۰).

اگرچه بررسی برخی اشتراکات قانون اساسی دو ملت در پژوهش‌های مذکور، مشاهده می‌شود، اما بررسی وظایف اقتصادی دولت در قانون اساسی دو کشور از جمله مواردی است که در خصوص آن پژوهش خاصی صورت نگرفته است. شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو قانون از جهت وظایف اقتصادی دولت می‌تواند به تقویت نظام قانون‌گذاری و شناسایی ظرفیت‌های قانونی مشترک دو دولت برای همکاری در خصوص انجام وظایف اقتصادی خویش مؤثر باشد. از سوی دیگر، با این پژوهش میزان نزدیک بودن مفاهیم دو قانون اساسی در خصوص وظایف دولت به مبانی و منابع اسلامی تا حد زیادی روشن خواهد شد. به علاوه، ابتکارها و رویکردهایی در خصوص وظایف اقتصادی دولت در هر دو قانون اساسی وجود دارد که می‌تواند، باعث تمایز و برتری هر یک از آن‌ها بر دیگری باشد و در مقام

اصلاح و تغییر قانون اساسی این دو کشور نیز مورد توجه قرار گیرد. به علاوه، نگاه تطبیقی به این موضوع، باعث خواهد شد که کشورهای دیگری که درصدد ساخت قدرت سیاسی در چارچوب جمهوری اسلامی هستند، از تفاوت رویکردها و مزایای هر یک از قانون اساسی‌های مذکور به صورت آگاهانه مطلع شوند. همچنین برای سایر کشورهایی که می‌خواهند با منطق و ساختار وظایف اقتصادی دولت در کشورهای جمهوری اسلامی، آشنا شوند و از مزایای آن بهره گیرند، این مطالعه تطبیقی سودمند خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وجوه شباهت و تفاوت قانون اساسی دو کشور ایران و پاکستان از حیث بیان وظایف اقتصادی دولت شامل چه مواردی است. در راستای پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به گزاره‌های موجود در قانون اساسی دو کشور، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو قانون از حیث تکالیف دولت در حوزه‌های مختلف «عدالت و رفاه اقتصادی»، «آزادی اقتصادی»، «استقلال اقتصادی» و «رشد و توسعه اقتصادی» مطرح خواهند شد. پیش از آغاز مباحث اصلی نیز ضروری است که به مبانی و دلایل تطبیق ایران و پاکستان به طور دقیق پرداخت.

## ۲. مبانی و دلایل تطبیق قانون اساسی ایران و پاکستان

طبق اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکومت ایران، جمهوری اسلامی است و بر اساس اصل ۴، تمامی قوانین از جمله قانون اساسی باید بر اساس موازین اسلامی باشد و طبق اصل ۱۲، اسلام دین رسمی کشور است. طبق اصل اول قانون اساسی پاکستان، این کشور یک جمهوری فدرال با عنوان «جمهوری اسلامی پاکستان» است؛ بنابراین، قانون اساسی در پاکستان نیز همانند ایران بر پایه نظریه دولت اسلامی و مردم‌سالاری دینی بنا شده است (فتحی و عروسی موفق، ۱۴۰۱: ۱۰۸). از طرف دیگر، از حیث اقتصادی، شش دسته وظایف ذیل برای دولت‌ها بیان می‌شود: ۱- استقرار حاکمیت قانون شامل امنیت، دادگستری، تضمین اجرای قوانین و مقررات و تحقق عدالت، ۲- تأمین ثبات اقتصاد کلان، ۳- ایجاد و ارتقای زیرساخت‌ها از قبیل راه، پل، بندر، فرودگاه، آب، برق و گاز، ۴- ارائه خدمات رفاهی از قبیل خدمات درمانی و آموزش عمومی، ۵- حفاظت از محیط زیست، ۶- تقویت توان تولیدی اقتصاد ملی (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۱۵-۸).

وظایف دولت‌ها در هر کشوری برآمده از نظریات مبنایی درخصوص «دولت و مبنای تشکیل آن» و «مشروعیت و مبنای آن» است که از قبل، در فرهنگ آن کشور جای گرفته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به تفاوت وظایف دولت‌ها در کشورهای با ساختار سیاسی سوسیالیستی و با ساختار حاکمیت‌های ارشادی<sup>۱</sup> اشاره کرد که حتی اثر خود را در تفاوت تعریف بودجه در کشورهای مختلف به دلیل تفاوت وظایف دولت‌ها نشان داده است (دفتر مطالعات برنامه و بودجه بودجه‌ریزی در ایران، ۱۳۸۱: ۶۹). بر این اساس لازم است از حیث روش تحقیق در مطالعه تطبیقی دو کشور مشابه ایران و پاکستان از حیث مبنایی و مشروعیت تشکیل دولت، بررسی گردند. بر اساس روش استنتاج علی به عنوان رویکرد جدید در حقوق اساسی تطبیقی، کشورهای مورد مطالعه تطبیقی بر اساس مدل انتخاب با بیشترین شباهت<sup>۲</sup> تعیین شده‌اند.

مهم‌ترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۳ بیان شده است. به بیان دیگر، وظایف مصرح در اصل ۳، جنبه تمثیلی دارند و نه جنبه حصری. اولاً، دولت در این اصل به معنای حکومت است و نه به معنای قوه مجریه؛ زیرا برخی از وظایف مصرح در این اصل، مانند بندهای ۷ و ۱۰،<sup>۳</sup> توسط قوه مجریه قابل تأمین نیستند.

ثانیاً، در خصوص هر یک از وظایف دولت، این سؤال وجود دارد که این وظیفه، از جنس «تعهد به انجام یا وسیله» است یا «تعهد به نتیجه». با توجه به صدر اصل ۳ که بیان داشته است، «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد»، اصل بر این است که تمامی وظایف دولت، از جنس تعهد به انجام هستند و نه از جنس تعهد به نتیجه؛ مگر اینکه در قانون اساسی برخلاف آن تصریح شود. به عنوان مثال، با توجه به اصل ۳۰، وظیفه مندرج در بند ۳ اصل ۳، از جنس تعهد به انجام نبوده و از جنس تعهد به نتیجه است.

۱- برای مطالعه بیشتر در خصوص نقش دولت در اقتصاد مراجعه کنید به: رحمت‌اللهی، حسین، تحول قدرت، دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن، تهران، میزان، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۹۰.

۲- در خصوص روش انتخاب با بیشترین شباهت، ر.ک: حسن و کیلیان، «اهمیت روش استنتاج علی در دانش حقوق اساسی تطبیقی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۶: ۱۴۴.

۳- طبق اصل ۸۵، ایجاد نظام اداری، موضوع بند ۱۰ اصل ۳، ماهیت تقنینی دارد و در صلاحیت انحصاری مجلس است.

ثالثاً، روی دیگر وظایف دولت، حقوق ملت است. بنابراین هر یک از حقوق ملت، بیانگر یکی از وظایف دولت است؛ هر چند که به صراحت در زمره وظایف دولت نیامده باشد.

با توجه به تنوع وظایف دولت و در جهت ساماندهی آنها، در این مقاله وظایف دولت را در چهار محور رفاه اقتصادی، آزادی اقتصادی، استقلال اقتصادی و توسعه اقتصادی به شرح ذیل پی می‌گیریم.

### ۳. تکالیف دولت در حوزه عدالت و رفاه اقتصادی

موضوع بررسی عدالت و رفاه اقتصادی در هر دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان مطرح شده است. در این قسمت برخی از مهم‌ترین نقاط اشتراک و تفاوت دو قانون اساسی از حیث تکالیف اقتصادی دولت در حوزه عدالت و رفاه اقتصادی بررسی می‌شود.

#### ۱-۳. الگوها و ویژگی‌های مشترک

نقاط اشتراک بسیار مهمی در خصوص تکالیف اقتصادی دولت در حوزه عدالت اقتصادی میان قانون اساسی ایران و پاکستان وجود دارد که تا حد زیادی نشان‌دهنده روح کلی مشترک حاکم بر دو قانون اساسی در این خصوص است. حتی به نظر می‌رسد، از نظر مبانی، این دو قانون اساسی شباهت بسیاری به هم داشته و تا حد زیادی متأثر از الگوی اسلامی نظام اقتصادی هستند که در آن دولت اسلامی وظیفه تضمین سطح کافی معیشت را برای همگان دارد. به صورت کلی می‌توان این نقاط مشترک را شامل موارد ذیل دانست:

۱. رفع فقر: رفع محرومیت و تأمین نیازهای افراد کم‌توان و کم‌برخوردار مسئله‌ای است که در هر دو قانون اساسی بر آن تأکید شده است. در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی بر رفع انواع محرومیت‌های اقتصادی نظیر محرومیت در تغذیه، کار، مسکن و بهداشت تأکید شده است. در صدر اصل ۴۳ رفع فقر و محرومیت از اهداف نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دانسته شده است. این در حالی است که در بند «د» اصل ۳۸ قانون اساسی پاکستان<sup>۱</sup> نیز فراهم کردن نیازهای اولیه برای همه شهروندان ناتوان، بیمار یا بیکار (برای

۱- اصل سی و هشتم قانون اساسی پاکستان - برای بالا بردن رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم: دولت امور ذیل را انجام خواهد داد:

مدتی یا همیشه) بدون توجه به جنس، طبقه، عقیده و یا نژاد در نظر گرفته شده است. ۲. **تأمین نیازهای عمومی:** در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۱ اصل ۴۳ این قانون بر تأمین نیازهای اساسی و ضروری مردم از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش تأکید شده است. همچنین تأمین مسکن مناسب، با توجه به اینکه مطابق اصل ۳۱ قانون اساسی ایران، حق هر ایرانی است، می‌توان تأمین آن را از جمله مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت به شمار آورد (مشفق و سالارزایی، ۱۳۹۶: ۵-۶). همچنین طبق بند ۹ اصل سوم همین قانون، بر ایجاد امکانات همگانی در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی تأکید شده است.

در قانون اساسی پاکستان نیز طبق بند ط اصل ۳۷<sup>۱</sup> بر ایجاد آسایش و رفع نیازهای عمومی تأکید شده و طبق بند ب اصل ۳۸ همین قانون، فراهم کردن معاش کافی برای

---

(الف) بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، با بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از انباشت ثروت و ابزار تولید در دست اقلیت به طوری که مغایر با منافع عامه باشد و با تضمین تنظیم عادلانه حقوق متقابل کارفرمایان، کارگران و مؤجران و مستأجران، رفاه مردم را تأمین خواهد نمود.

(ب) بر اساس میزان منابع موجود کشور، برای تمام شهروندان تسهیلات کار و معاش کافی، استراحت و تفریح متعارف فراهم خواهد آورد.

(ج) برای همه افرادی که در دستگاه‌های دولتی پاکستان و غیره شاغل می‌باشند، تأمین اجتماعی را از طریق بیمه اجتماعی اجباری و دیگر راه‌ها فراهم می‌سازد.

(د) بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، برای همه شهروندانی که برای همیشه یا مدتی قادر به تأمین معاش خود بر اثر ناتوانی، بیماری یا بیکاری نباشند، نیازهای اولیه زندگی از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان را فراهم خواهد نمود. (ه) اختلاف سطح درآمد و عایدی افراد را از جمله اشخاصی که در بخش‌های مختلف دستگاه دولتی پاکستان اشتغال دارند، کاهش خواهد داد.

(و) ربا را در اسرع وقت از بین می‌برد.

۱- اصل سی و هفتم قانون اساسی پاکستان - گسترش عدالت اجتماعی و ریشه‌کنی فساد اجتماعی: دولت

(الف) با توجه خاصی امکانات اقتصادی و آموزشی طبقات یا نواحی مستضعف را ارتقا خواهد بخشید.

(ب) بی‌سوادی را ریشه‌کن و تحصیلات متوسطه اجباری و آزاد را ظرف کوتاه‌ترین زمان ممکن تأمین خواهد نمود.

(ج) آموزش فنی و حرفه‌ای را برای همگان ارائه خواهد داد و تحصیلات عالی را بر اساس استعداد، برای آحاد ملت فراهم می‌کند.

(د) تضمین اجرای صحیح عدالت با مخارج اندک.

(ه) اقداماتی را برای تأمین فرصت‌های اشتغال انسانی و عادلانه انجام خواهد داد و اشتغال زنان و کودکان را در مشاغل متناسب با جنس و سن آنان و همچنین مزایای دوران بارداری را برای زنان شاغل تضمین خواهد نمود.

(و) از طریق آموزش، تربیت، توسعه صنعتی و کشاورزی و سایر روش‌ها، برای همه مردم نواحی مختلف، امکان مشارکت کامل در اشکال مختلف فعالیت‌های ملی از جمله اشتغال در دستگاه دولتی پاکستان را فراهم می‌سازد.

(ز) فحشا، قمار، مواد مخدر، چاپ و انتشار و توزیع و نمایش مطالب و تبلیغات مستهجن را ممنوع می‌نماید.

(ح) از مصرف مشروبات الکلی برای غیر مصارف پزشکی و نیز توسط غیرمسلمانان و برای آیین‌های مذهبی جلوگیری به عمل خواهد آورد.

(ط) از تمرکز مدیریت در حکومت جلوگیری خواهد نمود تا انجام صحیح خدمات خود را برای ایجاد آسایش و رفع نیازهای عمومی تسهیل نماید.

تمام شهروندان براساس میزان منابع موجود کشور، مورد نظر قرار گرفته است. بالابردن سطح زندگی مردم بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد نیز طبق بند الف اصل ۳۸ این قانون از جمله مواردی است که بر رفع نیازهای عمومی آحاد جامعه تأکید می‌کند. جزء ۲ بند «۵» قسمت سوم اصل ۲۴ این قانون<sup>۱</sup> نیز وظیفه دولت را تهیه مسکن برای مردم معرفی می‌کند. همه مفاد ذکرشده در این دو قانون نشان می‌دهد که دولت جمهوری اسلامی، وظیفه‌ای فراتر از رفع فقر مطلق و انواع محرومیت دارد، بلکه این وظیفه به معنای رفع نیازهای همه افراد جامعه و تسهیل راه‌های دست یابی به آسایش و رفاه برای آن‌ها است.

با توجه به اینکه در هر دو قانون اساسی، دولت مستقیماً مسئول و متعهد به تأمین نیازهای عمومی است، اقدامات و ابزارهای دولت، صرفاً محدود به اعمال برخی محدودیت‌ها برای جلوگیری از احتکار و کمبود کالاهای اساسی و... نیست، بلکه دولت باید برای انجام وظایف خود در این زمینه، از منابع عمومی، بهره‌گیرد و آن را در راستای وظایفش هزینه نماید (نظری و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

**۳. رفع تبعیض و تراکم ثروت:** مطابق با این دو قانون، تنها رفع فقر مطلق و برطرف کردن نیازهای عمومی برای تحقق عدالت اقتصادی و انجام وظایف دولت کافی نیست، بلکه هر گونه تبعیض و تداول ثروت در جامعه باید توسط دولت ممنوع شود. مطابق با بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر گونه تبعیض ناروا باید توسط دولت رفع گردد و مطابق بند ۲ اصل ۴۳ همین قانون دولت اسلامی باید از تمرکز و تداول ثروت در دست گروه یا افرادی خاص جلوگیری نماید. تأکید جدی بر تساوی همه مردم در بهره‌مندی از امکانات اقتصادی و کار در مقدمه این قانون نیز مبین عدم تبعیض

۱- اصل بیست و چهارم قانون اساسی پاکستان - حفظ حقوق اموال:

(۱) هیچ‌کس را نمی‌توان به‌زور از مال خود محروم کرد مگر به‌موجب قانون.

(۲) هیچ مالی با توسل به‌زور تصرف یا مصادره نخواهد شد. مگر اینکه برای یک منظور عام‌المنفعه و توسط یک دستگاه قانونی باشد که غرامت آن را وضع و نیز مبلغ غرامت را تعیین و یا اصول و نحوه تعیین و پرداخت آن را مشخص می‌نماید.

(۳) هیچ‌یک از مفاد این اصل بر اعتبار قوانین ذیل تأثیر نخواهد گذاشت:

(الف) ...

(ه) هر قانونی که اجازه تصرف دسته‌ای از اموال را به دلایل ذیل می‌دهد:

۱- فراهم ساختن کمک‌های درمانی و آموزشی برای همه یا برای گروه معینی از شهروندان.

۲- تهیه مسکن، امکانات عمومی و خدماتی از قبیل راه‌ها، آب، فاضلاب، گاز و برق، برای همه یا برای گروه معینی از شهروندان.

۳- تأمین معاش کسانی که در اثر بیکاری، بیماری، ناتوانی یا کهولت سن قادر به اداره زندگی خود نیستند.

و ...

اقتصادی است.

همین موضوع در قانون اساسی پاکستان نیز بیان شده است. طبق بند الف اصل ۳۸ این قانون وظیفه دولت، جلوگیری از انباشتن ثروت و ابزار تولید در دست اقلیتی خاص است. از سوی دیگر، طبق بند (ه) اصل ۳۸ همین قانون، کاهش اختلاف سطح درآمد و عایدی افراد شاغل (دولتی و غیردولتی) برای جلوگیری از تبعیض ناروا مورد نظر قانون‌گذاران بوده است. هر چند به نظر می‌رسد، مواردی نیز قابل اضافه شدن برای رفع تبعیض در هر دو قانون است؛ از جمله تساوی در پرداخت مالیات، تساوی در برخورداری از مشاغل دولتی و تساوی در خدمت وظیفه عمومی (مشفق و سالارزایی، ۱۳۹۶: ۴؛ به نقل از: سالارزایی، ۱۳۹۰).

**۴. بهبود وضعیت اشتغال عمومی:** اینکه دولت سرمایه‌های عمومی را بدون تبعیض به صرف رفع محرومیت و تأمین نیازهای عمومی نماید، کافی نیست، بلکه طبق مفاد دو قانون اساسی، باید این اتفاق از طریق ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت اشتغال مردم صورت پذیرد. در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران به این مسئله به صورت جدی پرداخته شده و بحث ایجاد اشتغال کامل برای همه، قرار دادن وسایل کار در اختیار کارگران فاقد وسیله و اعطای وام بدون بهره به آن‌ها جهت رفع نیازهای خود در این راستا قرار دارد. همچنین طبق اصل ۲۸ این قانون، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار را فراهم نماید که این اصل در راستای برخورداری مردم از کار مناسب است (شایان‌فر، ۱۳۹۳: ۹). در اصل ۲۹ این قانون نیز لزوم فراهم کردن تأمین اجتماعی برای همه مردم مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در قانون اساسی پاکستان طبق بند ج اصل ۳۷ ارائه آموزش فنی که از جمله مقدمات ایجاد کار است، از جمله وظایف دولت برشمرده شده و در بند «ه» همین اصل بر تأمین فرصت‌های اشتغال عادلانه برای آحاد جامعه و برای زنان و کودکان متناسب با سن و جنس آن‌ها تأکید شده است. در بند «و» همین اصل، مشارکت کامل مردم در فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد کار در دستگاه‌های دولتی نیز از جمله وظایف دولت برشمرده شده است. البته باید توجه داشت که طبق بند ب اصل ۳۸ این قانون، ایجاد کار متعارف برای همه با توجه به میزان منابع موجود کشور باید باشد و طبق بند ج باید بیمه اجباری و تأمین اجتماعی نیز همراه با کار تأمین و تضمین گردد.

### ۲-۳. ویژگی‌ها و الگوهای متمایز

اگرچه شباهت‌های بسیار زیادی میان این دو قانون از حیث تکالیف دولت در حوزه عدالت و رفاه اقتصادی وجود دارد، اما تفاوت‌ها و نقاط تمایزی نیز وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱. در بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران، بر ایجاد امکانات لازم برای تشکیل خانواده تأکید جدی شده است، در حالی که در قانون اساسی پاکستان برای حصول نتیجه، اشخاص و نه صرفاً خانواده، موضوعیت دارند. از این‌رو، ممکن است شرایط کار و تأمین نیازها برای زندگی متعارف یک فرد فراهم باشد، اما برای خانواده نباشد که این نشان‌دهنده توجه جدی قانون اساسی ایران به مقوله حمایت مادی از خانواده موضوع اصل ۱۰ این قانون است.

۲. در خصوص کارگران، ابتکاری که در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی ایران وجود دارد، بحث قرار دادن وسایل کار توسط دولت به کارگر و اعطای وام بدون بهره برای رفع نیازهای او است که در قانون اساسی پاکستان برای ایجاد اشتغال کامل، چنین ابتکاری مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین، در خصوص روش‌های حمایت اقتصادی از کارگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کامل‌تر به نظر می‌رسد. برخی از اندیشمندان نیز معتقدند، هرچند اکثر حقوقی که برای کارگران در شریعت اسلامی در نظر گرفته شده است، در نظام حقوقی پاکستان از جمله قانون اساسی آن، نهاده شده است، اما زمینه برای ارتقاء بیشتر در این خصوص وجود دارد (محمدخان و مشتاق، ۲۰۱۹: ۱۴۳).

۳. هر چند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفع محرومیت در اشکال مختلف مورد توجه واقع شده است، اما رفع محرومیت با اولویت و توجه به مناطق و نواحی مستضعف بیان نشده است، در حالی که در بند الف اصل ۳۷ قانون اساسی پاکستان، بر ارتقاء امکانات اقتصادی نواحی و طبقات مستضعف تأکید شده است. این توجه و تأکید بر ارتقاء مناطق مستضعف، سبب حصول نتیجه بهتر در خصوص مبارزه با فقر مطلق خواهد شد که یکی از امتیازات قانون اساسی پاکستان به نظر می‌رسد. این اصل، موجب می‌شود، در توزیع امکانات و فرصت‌های اقتصادی، سهم مناطق مستضعف، بیشتر شود.

۴. یکی دیگر از مزیت‌های قانون اساسی پاکستان، اشاره به یک جهت کلی مهم در اجرای عدالت است؛ طبق بند د اصل ۳۷ این قانون، اجرای عدالت باید نه تنها تأمین شود، بلکه باید تضمین شود. به نظر می‌رسد، ضمانت بالاتر از تأمین است؛ چراکه تعهد دولت در خصوص تحقق آن بیشتر تعهد به نتیجه است تا تعهد به وسیله. از طرفی، تضمین معیشت عمومی، دلالت بر این دارد که باید از همه عواملی که سبب بازگشت وضعیت

افراد توانمند شده، به حال سابق، جلوگیری شود و برای عدم بازگشت آنان به حالت سابق، سازوکاری تعیین شود که اشخاص تا زمان فراهم شدن شرایط کار، زیرساخت، خدمات و... بتوانند، در سطح معیشت عمومی جامعه گذران زندگی کنند. بیمه بیکاری یکی از همین تضمین‌هاست؛ در ایران قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی چند آسیب جدی دارد، نخست اینکه شامل بیکارانی که مشمول نظام بیمه‌ای نیستند و حق بیمه بیکاری نمی‌پردازند، نمی‌شود. ثانیاً اشخاص تحت شمول آن، محدود است، تا حدی که دایره مصادیق، از اشخاص مندرج در قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی محدودتر است. همچنین مشمولین قوانین استخدامی نیز از قانون مذکور، مستثنی هستند و بیمه مذکور نسبت به بیکاران موقت و آنان که کار معین و فصلی دارند، نیز ساکت است (براتی، ۱۳۹۹: ۵۵-۵۴ و ۶۲). همین امر نشان می‌دهد، قانون‌گذار تا حد زیادی به سمت تأمین معیشت عمومی و نه تضمین آن، حرکت کرده است.

۵. همچنین بر اساس قانون اساسی پاکستان، اجرای عدالت نباید از هر طریقی صورت بگیرد، بلکه باید با کمترین هزینه بتوان عدالت را اجرا کرد؛ چراکه ایجاد هزینه عمومی بسیار، برای رفع فقر نوعی اسراف و آسیب در اجرای عدالت محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، دادرسی هر چند برای اجرای عدالت است و اصولاً نباید برای آن، وجهی را دریافت نمود، اما مصالح بیت‌المال و لزوم وارد نشدن ضرر به آن و افزایش هزینه‌های عمومی، اقتضاء دارد، بخشی از هزینه برای دادرسی از طرفین دعوا اخذ شود (نک: ادبی فیروزجائی و آقاعباسی، ۱۴۰۱: ۴۸۹)، که این همان اجرای عدالت با کمترین هزینه است.

۶. در خصوص وظیفه دولت اسلامی در تأمین معیشت اقتصادی، تمرکز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تأمین نیازهای اولیه و اساسی آحاد مردم است؛ اما طبق بند ب اصل ۳۸ قانون اساسی پاکستان، صرفاً نیازهای اولیه و ضروری مورد نظر نیست، بلکه تأمین سطح کافی معیشت برای افراد ضروری است. این یعنی صرفاً معاش لازم مطرح نیست، بلکه معاش کافی که فرد بتواند، طبق عرف، سطحی از معیشت را که عرف جامعه برای گذران زندگی تأیید می‌کند، داشته باشد. این همان چیزی است که شهید صدر (ره) به عنوان یک متفکر اسلامی از آن با عنوان تضمین کامل معیشت افراد جامعه یاد می‌کند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۸۵).

#### ۴. تکالیف دولت در حوزه آزادی اقتصادی

علاوه بر وظایف اقتصادی دولت جمهوری اسلامی در حوزه عدالت و رفاه اقتصادی، سایر تکالیف نیز بین این دو قانون اساسی، برای دولت اسلامی در نظر گرفته شده است که مربوط به آزادی اقتصادی آحاد جامعه است. در این قسمت به مهم‌ترین وجوه شباهت و تفاوت این دو قانون از این حیث پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴. ویژگی‌ها و الگوهای مشترک

۱. حمایت از حقوق اقتصادی مشروع: طبق بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از ضوابطی که اقتصاد دولت جمهوری اسلامی ایران بر آن استوار است، این است که هر فردی از آزادی انتخاب شغل برخوردار است. از سوی دیگر، یکی از وظایف قوه قضاییه به عنوان بخشی از دستگاه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران، طبق بند ۲ اصل صد و پنجاه و ششم این قانون احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع است که یکی از بخش‌های آن آزادی‌های اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین طبق اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی وظیفه تأمین آزادی‌های اجتماعی مردم در حدود قانون را دارد؛ از سوی دیگر، مقامات دولت نیز طبق اصل نهم قانون اساسی ایران، حق سلب این آزادی‌های مشروع را ندارند و طبق مقدمه قانون اساسی، مداخله دولت باید همراه با حفظ آزادی اقتصادی مردم باشد. همچنین قانون اساسی ایران، حق انتخاب شغل دلخواه افراد را در صورت عدم مغایرت با مصالح عمومی و احکام اسلام به رسمیت شناخته است (شایان فر، ۱۳۹۳: ۶۱).

در اصل هجدهم این قانون<sup>۱</sup> اساسی پاکستان، با رعایت برخی شرایط که توسط قانون معین می‌شود، هر شهروند حق اشتغال به هر نوع کسب یا تجارت قانونی را خواهد داشت. از سوی دیگر، طبق اصل ۲۳ این قانون، هر شهروند حق به‌دست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال در هر بخشی از پاکستان را با رعایت قانون اساسی و محدودیت‌های

۱- اصل هجدهم - آزادی تجارت، کسب و پیشه:

با رعایت برخی شرایط که توسط قانون معین می‌شود، هر شهروند حق اشتغال به هر نوع کسب یا تجارت قانونی را خواهد داشت، مع‌هذا، هیچ چیز در این اصل مانع از انجام امور ذیل نمی‌شود:  
 الف) تنظیم هر نوع تجارت یا حرفه به وسیله سیستم صدور پروانه.  
 ب) تنظیم تجارت، بازرگانی یا صنعت به منظور ایجاد رقابت آزاد در آن.  
 ج) انجام هر نوع تجارت، کسب و پیشه، صنعت یا خدمات توسط حکومت مرکزی یا ایالتی یا شرکت تحت کنترل یکی از حکومت‌های مزبور به طوری که به صورت کلی یا جزئی مانع سایر افراد شود.

متعارفی که قانون برای مصلحت عموم تعیین می‌نماید، خواهد داشت. و طبق اصل ۲۴ این قانون، هیچ‌کس را نمی‌توان به زور از مال خود محروم کرد مگر به موجب قانون. از مجموع احکام این دو قانون اساسی می‌توان دریافت، دولت اسلامی، متعهد به این است که دخالت‌های دیگران در آزادی‌های مشروع دیگران را کنترل نماید (صدر، ۱۳۹۵: ۳۷۱).

**۲. جلوگیری از استثمار اقتصادی:** طبق مفاد این دو قانون اساسی، صرفاً حمایت از شیوه‌ها و روش‌های مشروع اقتصادی افراد کافی نیست، بلکه برای تأمین آزادی اقتصادی مردم، باید از استثمار اقتصادی که توسط برخی افراد انجام می‌شود، نیز جلوگیری کرد. در بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدم اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از آن‌ها از جمله ضوابط دولت محسوب می‌شود. همچنین طبق جزء ج بند ششم اصل دوم قانون اساسی، نفی هر گونه ستم‌گری و سلطه‌گری از جمله پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که نفی ستم و سلطه اقتصادی نیز از جمله این موارد محسوب می‌شود. طبق اصل سوم قانون اساسی پاکستان<sup>۱</sup> نیز حذف هر گونه استثمار از جانب دولت جمهوری اسلامی پاکستان باید تضمین گردد. بنابراین، استثمار در بعد اقتصادی و بهره‌کشی از افراد در هر دو قانون اساسی توسط دولت باید رفع گردد. از سوی دیگر، در بند (۱) اصل ۱۱ قانون اساسی پاکستان<sup>۲</sup> این نوع از استثمار رد می‌شود: «بردگی موجودیت ندارد، ممنوع است و هیچ قانونی نمی‌تواند بردگی را در پاکستان مجاز یا تسهیل نماید». همچنین در بند ۲ این اصل، ممنوعیت کار برای کودکان کمتر از ۱۴ سال در هر شغل مخاطره‌آمیزی منع شده است (شایان فر، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۱). هر چند بیان سن محدودیت کار در سطح قانون اساسی، به نظر می‌رسد چندان صحیح نباشد، اما در پاکستان به دلیل فقر عمومی خانواده‌ها و اینکه بسیاری از کودکان از سنین پایین،

۱- اصل سوم قانون اساسی پاکستان - حذف استثمار:

دولت حذف هر نوع استثمار و اجرای گام‌به‌گام اصل بنیادی «هر کس به تناسب توانایی خود تا هر کس به تناسب کار خود» را تضمین خواهد نمود.

۲- اصل یازدهم - ممنوعیت بردگی، کار اجباری و مانند این‌ها:

(۱) بردگی موجودیت ندارد و ممنوع می‌باشد و هیچ قانونی نمی‌تواند برقراری بردگی را در پاکستان مجاز یا تسهیل نماید.

(۲) کلیه اشکال کار اجباری و خرید و فروش انسان‌ها ممنوع می‌باشد.

(۳) کودکان کمتر از ۱۴ سال نباید در کارخانه‌های، معادن یا در هر شغل مخاطره‌آمیز دیگر به‌کارگماشته شوند.

(۴) هیچ‌یک از مفاد این اصل تأثیری بر خدمت اجباری در موارد ذیل نمی‌گذارد:

(الف) خدمت اجباری کسی که به جرم تخلف از قانون محکومیتی را می‌گذراند.

(ب) خدمت اجباری که به موجب قانون برای یک هدف ملی الزامی گردد مع‌هذا، هیچ نوع خدمت اجباری نباید دارای ماهیت بی‌رحمانه یا ناقض منزلت انسانی باشد.

مشغول کار می‌شوند، احتمالاً چنین موضوعی اهمیت فراوانی داشته است (حسینی و خسروی، ۱۴۰۲: ۹۴).

**۳. جلوگیری از آزادی‌های اقتصادی ممنوع:** علاوه بر نقش استشارگران در محدودسازی آزادی اقتصادی مشروع افراد، برخی از فعالیت‌ها یا آزادی‌های اقتصادی غیرمجاز مردم عادی نیز موجب خواهد شد که آزادی اقتصادی مشروع دچار آسیب شود. همان‌طور که مشخص است، براساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی، هر نوع آزادی اقتصادی در جامعه مورد حمایت دولت و حکومت نیست، بلکه آزادی اقتصادی، توأم با مسئولیت و در چارچوبی است که شرع و قانون مشخص می‌کند. طبق بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اضرار به غیر، انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، از جمله موارد مربوط به آزادی‌های اقتصادی ممنوع به حساب می‌آید. از آنجایی که این موارد بخشی از ضوابط حکومت جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین، دولت موظف به جلوگیری از چنین آزادی‌های غیرمجازی است.

در قانون اساسی پاکستان نیز دولت موظف به جلوگیری از برخی آزادی‌های اقتصادی ممنوع است؛ از جمله ربا طبق بند و اصل سی و هشتم قانون اساسی پاکستان باید توسط دولت در اسرع وقت از بین برود. همچنین طبق اصل ۲۳ قانون اساسی پاکستان<sup>۱</sup> شهروندان آزادی مطلق در به دست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال خود در پاکستان ندارند و تنها در صورتی حق انجام چنین اموری دارند که با رعایت قانون اساسی و محدودیت‌های متعارفی که قانون برای مصلحت عموم تعیین می‌نماید، صورت پذیرد.

**۴. مشارکت دادن مردم در اقتصاد:** آزادی اقتصادی صرفاً محدود به تضمین امنیت اقتصادی و حقوق اقتصادی مردم و جلوگیری از تعدی به حقوق اقتصادی آنان نمی‌شود، بلکه باید دولت جلوه‌هایی از حکمرانی و یا تصدی‌گری اقتصادی را با مردم به اشتراک بگذارد. طبق بند ۸ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت باید امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت اقتصادی خود فراهم کند. همچنین طبق بند دوم اصل ۴۳ دولت نباید به یک کارفرمای مطلق تبدیل شود، بلکه باید مردم در تصدی‌گری اقتصادی مشارکت داشته باشند.

از سوی دیگر، در قانون اساسی پاکستان نیز مضامین مشابهی در این خصوص وجود

۱- اصل بیست و سوم - مقررات مربوط به اموال:

هر شهروند حق به دست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال در هر بخشی از پاکستان را با رعایت قانون اساسی و محدودیت‌های متعارفی که قانون برای مصلحت عموم تعیین می‌نماید، خواهد داشت.

دارد. در بند «ط» اصل ۳۷ این قانون، یکی از وظایف دولت جلوگیری از تمرکز مدیریت در حکومت برای انجام صحیح خدمات خود جهت ایجاد آسایش و رفع نیازهای عمومی است که نشان‌دهنده مشارکت مردم در حکمرانی اقتصادی است. همچنین بند و همین اصل قانونی بر امکان مشارکت کامل مردم در فعالیت‌های ملی تأکید می‌کند که مشارکت اقتصادی نیز بخشی از آن است.

#### ۲-۴. ویژگی‌ها و الگوهای متمایز

در خصوص امور ممنوع اقتصادی، در قانون اساسی پاکستان چندان مواردی بیان نشده است، بلکه صرفاً به ربا و به صورت کلی به مواردی که قانون اساسی و مصلحت جامعه اقتضا می‌کند، اکتفا شده است. این درحالی‌است که مصادیق کلی مهمی از ممنوعیت‌های اقتصادی در قانون اساسی ایران آمده است؛ از جمله در بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی به جلوگیری از کار اجباری و بهره‌کشی از کار دیگری تأکید می‌شود و در بند ۵ اصل ۴۳ به مواردی چون اضرار به غیر، انحصار، احتکار، ربا و سایر معاملات حرام اشاره می‌شود. از جمله مواردی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ممنوع کرده است و نقش کلیدی و کلی در هدایت آزادی‌های اقتصادی جامعه دارد، طبق بند ۶ اصل ۴۳ بحث تحریم اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات است.

در قانون اساسی پاکستان امکان مداخله دولت برای محدود ساختن آزادی‌های اقتصادی مشروع در صورتی که مصلحت عمومی اقتضاء کند، وجود دارد؛ چراکه طبق بند دوم اصل ۲۴ این قانون، هیچ مالی با توسل به زور تصرف و مصادره نمی‌شود، مگر برای منظوری عام‌المنفعه و توسط یک دستگاه قانونی. این درحالی‌است که طبق اصل نهم قانون اساسی ایران، دولت حق سلب آزادی‌های مشروع را ندارد. با این وجود، قانون اساسی پاکستان شرایط مصلحت را در نظر گرفته است. از جمله طبق بند دوم اصل ۲۴ این قانون، تصرف دستگاه قانونی را در صورتی مجاز می‌داند که غرامت مال مورد تصرف را وضع کند، مبلغ غرامت را تعیین و اصول و نحوه تعیین و پرداخت آن را مشخص می‌نماید. این درحالی‌است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص صرفاً به قاعده فقهی لاضرر موضوع اصل ۴۰ اشاره کرده است.

## ۵. تکالیف دولت در حوزه استقلال اقتصادی

بحث استقلال اقتصادی و عدم وابستگی کشور به خارج، از جمله مباحثی است که در قانون اساسی دو کشور ایران و پاکستان به آن اشاره شده است. دولت جمهوری اسلامی طبق این دو قانون اساسی، وظیفه اساسی و مهمی نسبت به تأمین و حفظ استقلال اقتصادی کشور دارد. هر چند به نظر می‌رسد، استقلال اقتصادی تا حدی تداومی‌گر مفهوم آزادی اقتصادی است، اما استقلال اقتصادی بیشتر نشان‌دهنده بعد خارجی آزادی اقتصادی و عدم وابستگی یک کشور در استفاده از ثروت‌هایش به دیگر کشورها است (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۸۷). در این قسمت به مهم‌ترین وجوه شباهت و تفاوت این دو قانون از حیث تکالیف دولت در حوزه استقلال اقتصادی پرداخته می‌شود:

### ۱-۵. ویژگی‌ها و الگوهای مشترک

از آنجایی که قانون اساسی پاکستان، در خصوص استقلال کشور به لحاظ اقتصادی مطالب چندانی ندارد، نقاط اشتراک زیادی میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون این کشور یافت نگردید. در قسمت الحاقی قانون اساسی پاکستان بخش اصل دوم<sup>۱</sup> و قسمت الف که به عنوان قطعنامه اهداف آمده است، مجلس مؤسسان، به نمایندگی از سوی ملت پاکستان، قانون اساسی را برای این مملکت مستقل و مقتدر برای اهدافی وضع می‌کند که از آن جمله حفظ استقلال این کشور است؛ به این شکل، حفظ استقلال از جمله اهداف وضع قانون اساسی است که فراتر از اهداف موجود در قانون اساسی به نظر می‌رسد. با این وجود، هیچ سخنی از استقلال اقتصادی در متن خود این قانون به میان نیامده است، اما به جهت تأکید بر استقلال به عنوان یک هدف عالی، می‌توان استقلال اقتصادی را نیز که بخشی از آن است، از جمله اهداف قانون اساسی پاکستان برشمرد. در قانون اساسی جمهوری

۱- اصل دوم الحاقی قانون اساسی پاکستان:

قطعنامه اهداف

نظر به اینکه حاکمیت کل هستی تنها از آن پروردگار متعال است و قدرتی که به واسطه ملت به مملکت پاکستان اعطا نموده تا در حدود تعیین‌شده از سوی او اعمال شود، امانتی مقدس است؛

مجلس مؤسسان، به نمایندگی از سوی ملت پاکستان قانون اساسی را برای مملکت مستقل و مقتدر پاکستان تدوین می‌نماید؛

تا ...

تا تمامیت ارضی مناطق کشور، استقلال و کلیه حقوق آن از جمله حق حاکمیت ارضی، دریایی و هوایی، محفوظ بماند....

اسلامی ایران اما به صورت مستقل و ذیل اصل دوم این قانون به مسئله استقلال اقتصادی تصریح شده است و طبق بند ۵ اصل ۳ و بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

## ۲-۵. نقاط افتراق و وجوه تفاوت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از نقاط تمایز و نقاط مثبتی نسبت به قانون اساسی پاکستان در حوزه وظیفه دولت در استقلال اقتصادی دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بحث خودکفایی به عنوان یکی از شاخص‌های استقلال اقتصادی مورد توجه واقع شده است. در بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند، تأکید می‌شود. این در حالی است که وجود چنین شاخصی در قانون اساسی پاکستان برای استقلال اقتصاد کشاورزی کشور دیده نمی‌شود.

۲. یکی دیگر از شاخص‌هایی که برای بحث استقلال اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن توجه شده است، بحث مدیریت قراردادهای اقتصادی با بیگانگان است که طبق اصل ۱۵۳ قانون اساسی ایران، هر گونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی بشود، ممنوع است؛ بنابراین، از طریق کنترل قراردادهای اقتصادی می‌توان از سلطه بیگانگان بر منابع اقتصادی کشور جلوگیری نمود و به این وسیله وظیفه حفظ استقلال اقتصادی که در بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی بر آن تأکید شده است، مورد توجه واقع می‌شود.

## ۶. تکالیف دولت در حوزه توسعه اقتصادی

تکالیف دولت جمهوری اسلامی تنها محدود به ایجاد رفاه، آزادی و استقلال نیست، بلکه طبق مفاد قانون اساسی دو کشور، دولت جمهوری اسلامی در قبال رشد اقتصاد کشور، وظیفه دارد. در خصوص این تکلیف، نقاط اشتراک و تمایز در دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

## ۱-۶. ویژگی‌ها و الگوهای مشترک

۱. توسعه اقتصادی به عنوان هدف میانی: یکی از مهم‌ترین نقاط مشترک، بحث اشتراک در ایجاد توسعه اقتصادی کشور است. هر چند این وظیفه به صورت صریح و مستقیم در قانون اساسی دو کشور به عنوان یک هدف مستقل ذکر نشده است، اما به صورت غیرمستقیم به عنوان یک هدف میانی می‌توان آن را در نظر گرفت. طبق ذیل بند ۲ اصل ۴۳، اقدام دولت باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد که دلالت بر مراحل توسعه دارد. همچنین در بند هفتم اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور تأکید شده است که نشان می‌دهد، توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور یکی از اهداف مورد نظر قانون‌گذار بوده است. در ذیل اصل ۴۴ یکی از ملاک‌های دسته‌بندی فعالیت‌ها به بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی این است که این دسته‌بندی باید موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد. از سوی دیگر، در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، ایجاد مشارکت کامل مردم در اقتصاد از وظایف دولت برشمرده شده و یکی از راه‌های آن توسعه صنعتی و کشاورزی است که نشان می‌دهد، توسعه و رشد اقتصادی یکی از اهداف مورد نظر قانون‌گذار است. با این وجود، با رویکرد اقتصاد اسلامی، به نظر می‌رسد، توسعه اقتصادی فرع بر تأمین نیازهای عمومی و برقراری عدالت اقتصادی است و به نوعی هدف طریقی است و نه غایی (صدر، ۱۳۹۳ ب: ۳۵۹-۳۵۸).

۲. تأکید بر لوازم توسعه اقتصادی: از سوی دیگر، در هر دو قانون، تنظیم برنامه اقتصادی کشور به عنوان یکی از کارویژه‌ها و وظایف دولت جمهوری اسلامی یاد می‌شود. این تنظیم برنامه اقتصادی، مقدمه‌ای برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی و از جمله مهم‌ترین لوازم آن به لحاظ حقوقی است. در بند سوم اصل ۴۳ قانون اساسی ایران، شرایطی برای تنظیم برنامه اقتصادی کشور در نظر گرفته شده است که نشان می‌دهد، برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه کشور از جمله مسائل ضروری نزد قانون‌گذار بوده است. در قانون اساسی پاکستان نیز طبق اصل ۱۵۶<sup>۱</sup> یکی از وظایف شورای ملی اقتصاد که مرکب از نخست‌وزیر

۱- اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی پاکستان - شورای ملی اقتصاد:

(۱) رئیس‌جمهور شورای ملی اقتصاد مرکب از نخست‌وزیر که رئیس شورا خواهد بود و اعضای دیگر را بنا به تشخیص و انتخاب خویش تشکیل خواهد داد مع‌هذا، رئیس‌جمهور از هر ایالت عضو را بنا به توصیه حکومت آن ایالت منصوب خواهد نمود.

(۲) شورای ملی اقتصاد اوضاع اقتصادی کلی کشور را بررسی می‌کند و برای راهنمایی حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی

و اعضاء انتخابی وی است، این است که برای راهنمایی حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی، برنامه‌هایی را در زمینه سیاست‌های مالی، بازرگانی، اجتماعی و اقتصادی تهیه و آماده نماید؛ بنابراین، برنامه‌ریزی در این قانون نیز از مهم‌ترین مقدمات و موارد جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی دانسته می‌شود.

## ۲-۶. ویژگی‌ها و الگوهای متمایز

همچنین می‌توان با توجه به مزیت‌هایی که این دو قانون اساسی نسبت به یکدیگر دارند، نقاط متمایز آن‌ها را بیان نمود که شامل موارد ذیل است:

۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص شرایط کلی و روح حاکم بر برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور مطالبی بیان شده است که در قانون اساسی پاکستان به چشم نمی‌خورد. از جمله اینکه در بند سوم اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرایطی نظیر تعیین شکل، محتوا و ساعت کار برای افراد، به‌گونه‌ای که علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد، مطرح شده است. همچنین در اصل ۴۴ همین قانون بر منظم و صحیح بودن برنامه اقتصادی تأکید شده است.
۲. در قانون اساسی دو کشور نادهایی برای تعیین برنامه‌های کلی و کلان کشور در بعد اقتصادی معرفی شده است. در قانون اساسی پاکستان همان‌طور که گفته شد، شورای ملی اقتصاد به ریاست نخست‌وزیر، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کشور را چه در سطح فدرال و چه در سطح ایالت‌ها تعیین می‌کند. این درحالی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطابق با اصل ۱۲۶ و اصل ۱۳۴، رئیس‌جمهور، مسئول طراحی برنامه و سیاست اقتصادی قوه مجریه است. شورایی بودن برنامه‌ریزی کلان اقتصادی هر چند مفید است و زمینه بهره‌گیری از نظرات کارشناسی را فراهم می‌کند، اما به نظر می‌رسد، اینکه مسئولیت برنامه‌ریزی اقتصادی برعهده یک شخص باشد تا یک شورا، زمینه مناسب‌تری را برای پاسخ‌گویی فراهم خواهد کرد.
۳. در قانون اساسی پاکستان برای شرایط خاص اقتصادی، جهت حفاظت از ثبات اقتصادی و توسعه اقتصادی مکانیسمی در نظر گرفته شده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چندان به آن توجه نشده است. مطابق با بند (۱) اصل ۲۳۵ قانون اساسی

---

برنامه‌هایی را در زمینه سیاست‌های مالی، بازرگانی، اجتماعی و اقتصادی تهیه و آماده می‌نماید و در تهیه طرح‌های مزبور از اصول سیاست‌گذاری مندرج در فصل دوم از بخش دوم استفاده خواهد نمود.

جمهوری اسلامی پاکستان<sup>۱</sup>، اگر برای رییس‌جمهور محرز گردد، وضعی پیش آمده که در اثر آن حیات اقتصادی و ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا بخشی از آن در معرض تهدید قرار دارد، بعد از مشورت با فرمانداران ایالات یا بنا بر مورد، فرماندار ایالت مربوطه، با اعلام وضع فوق‌العاده می‌تواند وضع پیش‌آمده را اعلام نماید و تا زمانی که این اعلان برقرار باشد، اختیارات اجرایی حکومت فدرال تا حد صدور دستورالعمل‌هایی به ایالات برای رعایت آن دسته از اصول عرف مالی که در دستورالعمل‌ها مشخص می‌شوند و صدور سایر دستورالعمل‌هایی که رییس‌جمهور به صلاح حیات اقتصادی، ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا هر بخشی از آن بداند، گسترش می‌یابد. به این صورت، دولت جمهوری اسلامی، می‌تواند برای حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور در شرایط بحرانی اختیارات خاصی داشته باشد. در حالی که چنین چیزی و چنین شرایطی در قانون اساسی ایران وجود ندارد.

### جمع بندی و نتیجه‌گیری

- در پایان می‌توان مطالبی که ذکر شد را در موارد ذیل جمع بندی نمود:
- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در خصوص وظایف دولت در حوزه عدالت و رفاه اقتصادی نقاط اشتراکی نظیر تأکید بر «رفع فقر»، «تأمین نیازهای عمومی»، «رفع تبعیض و تراکم ثروت» و «بهبود وضعیت اشتغال عمومی» وجود دارد. رویکرد اقتصادی دولت در جمهوری اسلامی ایران نیز در تولید رفاه و عدالت در جهت «خانواده‌محوری» و «اشتغال‌محوری» ارزیابی می‌شود. نگاه و رویه خاص قانون اساسی پاکستان در این زمینه نیز تأکید بر «نگاه منطقه‌ای و محله‌ای در رفع فقر»، «تضمین کامل معیشت» و «اجرای عدالت با کمترین هزینه» است.
  - همچنین در خصوص وظایف اقتصادی دولت در حوزه آزادی اقتصادی، نقاط اشتراکی نظیر «حمایت از حقوق اقتصادی مشروع»، «جلوگیری از استثمار اقتصادی»، «جلوگیری

۱- اصل دویست و سی و پنجم قانون اساسی پاکستان - اعلام وضع فوق‌العاده به هنگام بحران مالی:

(۱) اگر برای رییس‌جمهور محرز گردد، وضعی پیش‌آمده که در اثر آن حیات اقتصادی و ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا بخشی از آن در معرض تهدید قرار دارد، بعد از مشورت با حکمرانان ایالات یا بنا بر مورد حکمران ایالت مربوطه، با اعلام وضع فوق‌العاده می‌تواند وضع پیش‌آمده را اعلام نماید و تا زمانی که این اعلان برقرار باشد، اختیارات اجرایی حکومت فدرال تا حد صدور دستورالعمل‌هایی به ایالات برای رعایت آن دسته از اصول عرف مالی که در دستورالعمل‌ها مشخص می‌شوند و صدور سایر دستورالعمل‌هایی که رییس‌جمهور به صلاح حیات اقتصادی، ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا هر بخشی از آن بداند، گسترش می‌یابد.

از آزادی‌های اقتصادی ممنوع» و «مشارکت دادن مردم در اقتصاد» وجود دارد. رویکرد مختص دولت جمهوری اسلامی ایران در خصوص آزادی‌های اقتصادی را می‌توان، «رویکرد جرم‌انگارانه» موضوعی به فعالیت‌های مخرب اقتصادی» دانست. همچنین رویکردهای خاصی نظیر «مداخله اقتصادی توأم با مصلحت و مسئولیت» و «غیرانحصاری بودن فعالیت‌های تصدی دولتی» در قانون اساسی پاکستان در زمینه آزادی‌های اقتصادی، قابل ملاحظه است.

- در حوزه استقلال اقتصادی نیز نقاط اشتراکی به «حفظ استقلال اقتصادی به عنوان هدف بنیادی» هر دو قانون اساسی اشاره نمود. با این وجود، مهم‌ترین تفاوت این است که برای استقلال اقتصادی، شاخص موضوعی مشخصی در قانون اساسی پاکستان وجود ندارد و نمی‌توان نظریه و رویکرد خاصی را در این زمینه مشاهده نمود. اما در خصوص جمهوری اسلامی ایران، رویکرد «خودکفایی اقتصادی و امنیت غذایی» و «مدیریت کارآمد بر قراردادهای خارجی اقتصادی» را بیان کرد.

- در زمینه رشد و توسعه اقتصادی، نقاط اشتراکی نظیر «توسعه اقتصادی به عنوان هدف میانی» و «تأکید بر برنامه‌ریزی به عنوان لازمه توسعه اقتصادی» در هر دو قانون اساسی موجود است. همچنین تفاوت این دو قانون در «تأکید بر شرایط صحیح برنامه، منظم و صحیح بودن نوع برنامه» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «وجود دو شخص مسئول متفاوت شورای ملی اقتصاد و ریاست جمهوری برای تنظیم برنامه‌های کلان اقتصادی طبق دو قانون اساسی» و مزیت قانون اساسی پاکستان در «در نظر گرفتن شرایط فوق‌العاده اقتصادی و بحران» که در آن با استفاده از سازوکارهایی به حل این بحران از طرق مختلف پردازند، خلاصه می‌شود.

باید توجه داشت، در قانون اساسی هر دو کشور نقاط اشتراک فراوانی وجود دارد که زمینه‌ساز همکاری و تفاهم اقتصادی میان دو کشور است؛ در زمینه رفع فقر، تأمین نیازهای عمومی و جلوگیری از تبعیض اقتصادی دو کشور به دلیل همجواری می‌توانند، زمینه‌های مشترکی را در ایجاد اشتغال، کمک به بهبود معیشت و جلوگیری از فساد اقتصادی منطقه‌ای انجام دهند. همچنین در حوزه آزادی اقتصادی می‌توانند، آزادی‌های ممنوع اقتصادی مشترک را شناسایی کرده و به مبارزه آن پردازند و آزادی‌های مشروع اقتصادی طرفین را تقویت نمایند. در حوزه استقلال اقتصادی نیز می‌توانند با تأکید بر خودکفایی و قرارداد دوجانبه عادلانه اقتصادی زمینه سلطه اقتصادی بیگانه بر دو کشور را کم کنند. همچنین دو کشور می‌توانند، از تجربه‌هایی که در وضع برنامه‌های توسعه یا سیاست‌های شورای ملی اقتصادی خود دارند،

بهره ببرند و سیاست‌هایی با محوریت اهداف مشترک و چشم انداز مشترک ایجاد نمایند.

## منابع

### منابع فارسی

۱. احمدی، میثم؛ مختاری افراکته، نادر؛ مرزیه، زهرا (۱۴۰۰). «نگاهی مقایسه‌ای به آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان»، دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۳، شماره ۴۰، بهار و تابستان ۱۴۰۰: ۹۲ - ۴۲.
۲. ادبی فیروزجائی، علی؛ آقاعباسی، رضا؛ خالوئی تفتی، سید رضا (۱۴۰۱). «جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه»، نشریه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۱، تابستان ۱۴۰۱: ۴۸۳ - ۵۰۲.
۳. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، گروه مترجمان، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸، صص ۸-۱۵.
۴. بدیعی ازندهای، مرجان؛ میراحمدی، فاطمه سادات (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و پاکستان از نظر مبانی حقوق شهروندی و تأثیر آن بر حفظ وحدت ملی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی»، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳: ۱۵۱ - ۱۷۶.
۵. براتی، جعفر (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی نظام حمایت اجتماعی در برابر بیکاری در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۴: ۴۷ - ۶۷.
۶. حسینی، محمدجواد؛ خسروی، حسن (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی نگرش قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به حقوق کودک»، فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۱، شماره ۲: ۷۹ - ۱۰۲.
۷. دفتر مطالعات برنامه و بودجه (۱۳۸۱). بودجه‌ریزی در ایران: مسائل و چالش‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ۶۹.
۸. رحمت‌اللهی، حسین (۱۳۸۸). تحول قدرت، دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن، تهران: میزان.
۹. سالارزایی، امیرحزمه (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی حقوق غیرمسلمانان اهل ذمه در قانون اساسی ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۰: ۷ - ۳۴.
۱۰. شایان‌فر، جواد (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۳: ۵۳ - ۷۸.

۱۱. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ الف). اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما، مترجم: مهدی زندیه، چاپ دوم، قم: انتشارات دارالصدر. (در متن و در فهرست منابع، همان چاپی که از آن استفاده شده ذکر شود)
۱۲. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ ب). اقتصاد ما، جلد دوم، مترجم: ابوالقاسم حسینی ژرفا، چاپ اول، قم: انتشارات دارالصدر
۱۳. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵). پژوهش‌های قرآنی، مترجم: سید جلال میرآقایی، چاپ اول، قم: انتشارات دارالصدر.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان ۱۹۷۳.
۱۶. قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۷. قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۸. فتحی، یونس؛ عروسی موفق، محمد مهدی (۱۴۰۱). «بررسی مفهوم و کارکرد تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان»، فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۱، شماره ۱: ۹۵ - ۱۱۶.
۱۹. مشفق، شهنواز؛ سالارزایی، امیرحمزه (۱۳۹۶). «بررسی اشتراکات قانون اساسی ایران و پاکستان»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان - دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، صص ۱۶-۱. (شماره صفحات در مجموعه مقالات ذکر شود)
۲۰. نظری، حسن و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۲). نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران: پژوهشگاه امور اقتصادی. (همان چاپی که مبنای پژوهش بوده ذکر شود)
۲۱. وکیلان، حسن (۱۳۹۶). «اهمیت روش استنتاج علی در دانش حقوق اساسی تطبیقی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۶: ۱۱۷-۱۴۳. منابع غیرفارسی
۲۲. محمدخان، حافظ و مشتاق، صنم (۲۰۱۹). «مزدور کے حقوق: شریعت اسلامی آور آئین و قوانین پاکستان کا مطالعہ»، مجله القمر، جنوری-جون: ۱۴۳ - ۱۵۴.